

انتظار پیامک های

رقیبه ندیری

رویش
تلفیقی از سیب و گندم
در هاله ای از مشک و پیچک سیاه
با دو ستاره در شب چشمها
دنیا را عشقش آباد می کرد
موعود هم اگر نبود

بگذار خیال کنم
نرم و ساکت و رها
از کنار خانه غریب ما گذشته
است
و هنوز
دست تکان می دهد برای او
درخت در پیاده رو

بعد از غیبت او
دست روی دست گذاشتیم
و مردیم
با این بهانه که
میت روی زمین نمی ماند!

می آید
رود و باد را
سر به راه می کند
پناه می دهد
به بغض یا کریم
دست روی خاک می کشد
زنده می شویم

قطار می کشم
واژه
واژه
شعر را
برای او
وای اگر
بر بال کلمات
بنشیند و بیاید

استخوان های سینه ام
درد می کند
خسته ام
شکسته ام
روی این چنار خشک را
زمین زدن
نیامدن
منطق بهار نیست

آواز گنجشک ها
در میان چلچراغ های جگرمان
ملودی قشنگ آخرالزمان

زمانه عوض شده
تا
گنجشک ها کلاغ نشده اند
برگرد

کاریت نباشد
با گردش فصل ها
در چله تابستان هم
بیایی اگر
به هوای تو
بهار
بر می گردد

چه برکتی دارد نبودنت
با نامت
نان می خوریم